

دوهفته نامه الکترونیکی هدایت

www.hadinews.ir

کانال معیار در سروش @meyar.pb



معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

نشریه هدایت / شماره ۶ / اول تیر ۱۳۹۸



◀ سفر متفاوت

شینزو آبه، اولین نخست وزیر ژاپنی بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی راهی تهران شد! دستور کار شینزو آبه برخلاف سفرهای مرسوم اش به کشورهای جهان، نه روابط فی ما بین ایران و ژاپن بود! و نه قرار بود، قرار دادهای تجاری و اقتصادی میان دو کشور امضا شود! نخست وزیر ژاپن به تهران آمده بود که پیام دونالد ترامپ را به ایران منتقل کند! اما بسیاری از ناظران و کارشناسان سیاسی و رسانه ای این سفر را برای ژاپن و شخص شینزو آبه یکی از پر ثمر ترین سفرها دانستند! اما چرا؟ پاسخ روشن است، آنچه نخست وزیر ژاپن در تهران شنید را مرور کنید! اقتدار مواضع رهبر معظم انقلاب در برابر زیاده خواهی های ترامپ را به یاد بیاورید!

استقلال رای و تصمیم گیری شجاعانه و مستقل جمهوری اسلامی ایران شاید برای ما یک امر بدیهی و طبیعی به نظر باشد! اما اگر از دید آقای آبه و سیاستمداران ژاپنی که حتی پس جنایت جنگ جهانی و حمله اتمی آمریکا به دو شهر ژاپن حاضر شدند از آمریکایی ها به خاطر درگیری نظامی با ایالات متحده عذر خواهی کنند! نگاه کنیم کاملا، ماجرا دگرگون خواهد شد! و در ک خواهیم کرد که چرا منافع این سفر برای ژاپن می تواند از رفت و آمد سیاسی معمول پر بار تر باشد! ژاپنی در این سفر به چشم و دیدند که می شود در برابر زیاده خواهی های آمریکا ایستاد، درخواست غیرصادقانه دونالد ترامپ را با صراحت رد کرد و در عین حال تبدیل به قدرت تعیین کننده منطقه ای و بازیگر مهم در صحنه بین الملل شد! می توان ایستاد و از منافع ملی و حقوق مردم در برابر سلطه آمریکایی دفاع کرد و در عین حال در علم و دانش پیش رفت! می توان با وجود تمام فشارهای اقتصادی و تحریم های ظالمانه در اقتصاد رو به جلو حرکت کرد.. این همان پیامی است که به تغییر گفتمان سیاسی در منطقه منجر شده است و بی تردید می تواند شرایط را فراتر از منطقه را نیز دگرگون کند.

◀ ایران تعیین می کند!

«از تهران می خواهیم صبور باشد» این جمله «امانوئل مکرون» رئیس جمهور فرانسه شبیه تمام جمله هایی است که سران قاره سبز در روزها پس از خروج آمریکا از برجام با ادبیات های مختلف تکرار شده است. جملاتی که از زبان چهره ها و مسئولان متفاوت اروپایی تکرار شده است! مسئولانی که حتی برخی هایشان از مسند قدرت کنار رفته اند و یا دوران مسئولیتشان به پایان رسیده است! اما همچنان اروپایی ها تهران را به صبر و خویشنداری دعوت می کنند! این روش و رویکرد اروپایی ها دیگر بیش از اندازه تکراری، مضحک و غیر قابل قبول است! ایران تا کی باید صبر کند تا وعده های نسیه دوستان ترامپ نقد شوند! اروپا کی و کجا قرار است منافع ایران در برجام را تامین کند؟ چند سال دیگر باید بگذرد تا شاهد یک اقدام عملی از سوی سران قاره سبز باشیم؟ واقعیت این است که اساسا قرار نیست این اتفاق ها بیفتد! اصلا عزمی برای تامین منافع ایران وجود ندارد! و تنها شاهد لفاظی و بازی با کلمات هستیم تا با پایبند نگه داشتن ایران به برجام، این فرصت و وقت را برای آمریکا بخرند که با فشارهای گسترده اقتصادی، تهدید ها و فرستادن پیغام و پسغام جمهوری اسلامی را به پای میز مذاکره موشکی و منطقه ای بکشاند و رویا اش برای مذاکره تحت فشار را رقم بزنند! اما زهی خیال باطل.. همانطور که رهبر معظم انقلاب اسلامی تاکید کردند، ملت ایران هرگز زیر بار مذاکره تحت فشار نخواهد رفت و این جمهوری اسلامی ایران است که با مقاومت بی نظیر و کاهش تدریجی تعهدات برجامی خود، زمین بازی را تعیین و اراده اش را به دشمن تحمیل خواهد کرد.

◀ عقب نشینی های پیایی

همزمان با سفر شینزو آبه به تهران، دو کشتی که یکی از آنها متعلق به ژاپن بود، در دریای عمان مورد هدف قرار می گیرند! و بلافاصله رسانه های آمریکایی، وزیر خاجه ایالات متحده و پنتاگون، سران رژیم سعودی و رژیم صهیونیستی تلاش خود را برای القای این موضوع که این حملات از سوی تهران صورت پذیرفته است آغاز می کنند، پمپو در کنفرانس خبری خود رسماً نام ایران را می آورد و پنتاگون نیز تصاویری بی کیفیت و سیاه و سفید را که نشان دهنده قرار داشتن یک قایق در کنار یک کشتی است! را به عنوان سند دست داشتن ایران در این ماجرا منتشر می کند! کاخ سفید درخواست برگزاری نشست ویژه شورای امنیت سازمان ملل در این باره را مطرح می کند! اما برخلاف تمام این سرمایه گذاری ها و تلاش های فراوان، برای مجاب کردن جامعه بین الملل به منظور ایجاد یک ائتلاف ضد ایرانی و محکومیت تهران به خاطر حمله به نفتکش ها با شکست سختی مواجهه می شود. از خود دولت ژاپن تا کشورهای اروپایی و دولت های منطقه تا قدرت هایی مانند روسیه و چین همگی ادعاهای دولت آمریکا را مردود دانستند و اطلاعات منتشر شده آنها را ناکافی و متناقض خوانند، و سرانجام شخص رئیس جمهور آمریکا پس عدم توانایی در پیش بردن توطئه خود در مصاحبه ای با مجله تایم این حمله را یک اتفاق کوچک و ناچیز شمرد که باید از آن عبور کرد!! عقب نشینی آشکاری که البته در ادامه دمیونویی از عقب نشینی هاست که بسیار قبل تر از این و با تغییر رویکرد دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران از گفتگو و تعامل به مقاومت و ایستادگی آغاز شده است! روندی که به فضل الهی همچنان ادامه خواهد داشت تو شاهد پیروزی کامل قطعی ملت ایران خواهی بود!

مؤلفه های تحلیل واقع نگر بر اساس بیانیه گام دوم

بخش اول: نقاط قوت انقلاب اسلامی (۱)

دکتر ابوذریاسری^۱

اشاره: در شماره های آغازین، درباره ضرورت یافتن نسبت خودمان و بیانیه گام دوم و رویکرد عملیاتی نسبت به آن گفتیم؛ آنگاه دو گونه تحلیل متضاد نسبت به وضعیت موجود انقلاب اسلامی را بر اساس بیانیه از یکدیگر تفکیک کردیم؛ و مؤلفه های تحلیل واقع نگر و انقلابی و تحلیل واقع پندار و غیر انقلابی؛ و همچنین آثار و نتایج دو راهبرد سیاسی متخذ از دو دستگاه تحلیلی؛ یعنی راهبرد مقاومت و تعامل (سازش) را مورد بحث قرار دادیم. سپس به اقتضای مناسبت روز، تأثیر اندیشه استاد مطهری (ره) در ساخت تحلیل انقلابی و نیز ارزیابی قدرت نفوذ دستگاه تحلیلی انقلابی امام خمینی (ره) را از منظر تحلیلگران غرب بررسی نمودیم. در ادامه بحث نظر به اینکه تحلیل واقع نگر به شناخت «نقاط قوت و ضعف و عوامل آن» باز می گردد، در این یادداشت به نقاط قوت انقلاب اسلامی را بر اساس بیانیه گام دوم می پردازیم.

استقبال از پرسش های اساسی

حتما بارها با این پرسش مواجه شده ایم که: انقلاب چه تغییری در این کشور ایجاد کرده است؟ مگر نه اینکه پهلوی اعلام می کرد به سوی دروازه های تمدن بزرگ حرکت می کند؟^۲ به علاوه مگر نه اینکه در همان روزگار هم دین اغلب مردم ایران اسلام و مذهب شان تشیع بود و کسانی که می خواستند نماز و روزه شان را ادا می کردند؟ پس چرا انقلاب کردیم و انقلاب چه تغییر اساسی ایجاد کرده است؟ آیا اگر رژیم پهلوی هم ادامه پیدا می کرد به همین وضعیت یا شرایط بهتری نمی رسیدیم؟ این پرسش و نظایر آن پرسش هایی بسیار مهم و نقاط شروعی برای «تغییر» رویکردها و به عبارت دقیق تر اصلاح «دستگاه تحلیلی» غیر انقلابی است. نخستین واکنش تسریع کننده در جهت این تغییر رویکرد، ضرورت استقبال از طرح این پرسش ها از سوی تحلیلگران انقلابی است. بدون طرح پرسش تحولی در اندیشه حاصل نمی گردد. پس از استقبال از پرسش در گام بعد باید پاسخ های منطقی و دسته بندی شده ای به مخاطب ارائه گردد. این داده ها باید ناظر به قوت ها و ضعف های رژیم های سابق و ریشه یابی علل و عوامل آن باشد. به عبارت دیگر باید کلیدی ترین تغییر را شناخت؛ تغییری که سایر تغییرات در عرصه های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بدون آن محقق نمی شود یا اگر بشود تداوم نمی یابد.

مهم ترین نقطه قوت کشور

در بین علل و عوامل مختلفی که زمینه ساز پیشرفت کشورهاست، به نظر می رسد کلیدی ترین عامل «استقلال» و نفی وابستگی به بیگانگان است. به همین دلیل «استقلال» در صدر شعارهای انقلاب و مقدم بر آزادی و جمهوری اسلامی مطرح شده است. استقلال را می توان در سه بعد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تفکیک نمود. استاد مطهری (ره) به عنوان ایدئولوگ برجسته انقلاب اسلامی با اولویت دادن استقلال فرهنگی یا مکتبی معتقد است: «در دنیای امروز، علوم و فنون در کشورهای مختلف بطور مشابه مورد استفاده قرار می گیرد و هیچ ملتی نمی تواند ادعا کند که علم خاصی متعلق به اوست. اما علوم با مکتب ها و ایدئولوژی ها و راه و رسم های زندگی تفاوت دارند. اینجاست که ملت ها حسابشان را جدا می کنند. هر ملتی که از خود مکتبی مستقل و استقلال فکری و رأی داشته باشد و زیر بار مکتب های بیگانه نرود، حق حیات دارد و هر ملتی که مکتب نداشته باشد و بخواهد مکتبش را از بیگانه بگیرد ناچار تن به بردگی بیگانه خواهد داد.»^۳

^۱ استاد دانشگاه جامع امام حسین (ع) و تحلیلگر مسائل انقلاب اسلامی

^۲ عنوانی که محمدرضا پهلوی در نوروز ۱۳۵۵ آن را به کار برد.

^۳ آینده انقلاب اسلامی، ص ۱۶۰

رابطه استقلال و حاکمیت ملی

ریشه لغوی عربی استقلال از «قلت» به معنای «کم کردن» برگرفته شده است. در مفهوم نیز استقلال به معنی کم کردن وابستگی به دیگران و متکی به خود بودن است. در مفاهیم سیاسی، غالب نظریات بر این استوارند که «استقلال» در کنار شاخص‌های دیگری چون «سرزمین»، «ملت» و «حکومت» پدیده‌ای به اسم دولت را می‌سازند. در برخی تعاریف، استقلال مشابه این عبارات توصیف شده‌اند: «حالتی در کشور که زمامداری آن تابع هیچ کشور دیگری نیست و در اداره امور خود دارای صلاحیت‌های انحصاری در اعمال حاکمیت هستند.» نزدیک‌ترین عبارت به «استقلال» در مفاهیم علوم سیاسی، حاکمیت ملی است. به گونه‌ای که گاهی مترادف یکدیگر عنوان شده‌اند. حاکمیت ملی، مسئله‌ای است در تعارض با دخالت بیگانگان و شاید بتوان بعد بین‌المللی آن را «استقلال» نام نهاد.^۴

رابطه استقلال و پیشرفت

پیشرفت و پیمودن راه تکامل در صورتی امکان پذیر است که تمام تصمیمات و ارائه راهکارها با توجه به نیازهای اساسی جامعه و با درک کامل و عمیق نسبت به آن صورت گیرد و از دخالت بیگانگان به دور باشد. درباره نسبت استقلال و پیشرفت، باید توجه کرد که نه تنها پیشرفت پیوندی عمیق با «استقلال سیاسی» دارد، بلکه شرط لازم به وجود آمدن آن، استقلال سیاسی است. متعاقب گذر از سطح خاصی از استقلال سیاسی، زمینه پیشرفت فراهم می‌گردد. متقابلاً، در سطوح مختلف پیشرفت، شدت رشد استقلال سیاسی متفاوت است. بدین معنا که هر اندازه در جامعه‌ای در مورد استقلال سیاسی کم‌تجربگی بیشتر مشهود باشد، پیشرفت از پشتوانه ضعیف‌تری برخوردار است و هر قدر سطح پیشرفتگی کشورها پایین‌تر باشد، تجربه مردم آنها در کسب استقلال سیاسی کمتر خواهد بود.^۵ استقلال به معنای مقابله با اولویت یافتن منافع سایر کشورها (نظام سلطه بین‌المللی) در تعیین رفتار یک کشور است. رهبر معظم انقلاب معتقدند، نظام سلطه در هر کشوری دخالت کرده فساد و حتی فقر و نکبت به وجود آورده است. این کشور می‌شود دستگاه و وسیله‌ای برای منافع آنها و منافع ملی به کلی فراموش می‌شود. در این صورت هدف اداره کنندگان کشور، تأمین منافع ملی نیست بلکه منافع مداخله‌گران است. استقلال این روند غلط و خائنانه را قطع می‌کند.^۶

اگر به وضعیت کشورهای به اصطلاح در حال توسعه یا عقب افتاده ولی وابسته نگاهی بیندازیم مشاهده می‌کنیم که این کشورها به دلیل وابستگی و عدم استقلال نتوانستند از ناحیه دخالت‌های آمریکا، بانک جهانی، و سایر مراکز و اقطاب سیاسی عالم طرفی ببندند و کاری نکنند و سعادت‌ی برای خودشان درست کنند. ملتی که بتواند مستقل و آزاد باشد و با اراده خود حرکت کند، به پیشرفت خواهد رسید.^۷

مهم‌ترین عامل پیشرفت‌های انقلاب اسلامی نیز آزاد شدن از جاذبه مغناطیسی غلط مضر و بیمارگونه استکبار جهانی بوده است.^۸ دو شعار محوری انقلاب؛ «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» و «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» متضمن همین معنا بود. اولی مبنای سیاست داخلی و دومی مبنای سیاست خارجی نظام بود. از سوی دیگر، استقلال در دوران جمهوری اسلامی نه تنها تضعیف نشده، بلکه تقویت هم شده و محمل صدور الگو به سایر کشورهای مسلمان و حتی غیرمسلمان هم تبدیل شده و با افتخار و جرئت کامل می‌توان گفت ایران اسلامی امروز مستقل‌ترین کشور دنیا است که هیچ وابستگی و ملاحظه‌ای نسبت به کشور یا قدرتی در جهان ندارد. هنگامی که امام خمینی (ره) در سال ۴۱ قیام شکوهمند الهی‌اش را آغاز کرد، کسب استقلال و رهایی از سلطه آمریکا و اسرائیل را یکی از مهم‌ترین علل و انگیزه‌های قیام خویش ذکر کرد. نقل است در پاسخ فرمانده نیروهای

حمید جعفرزاده نیاسری، جوان، ۱۳۹۶/۰۶/۲۸

محمداسماعیل عمار، رابطه استقلال و پیشرفت سیاسی در الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی، معرفت، شماره ۱۷۲، فروردین ۱۳۹۱

بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۹۲/۱۱/۱۹

با استفاده از بیانات رهبر انقلاب در دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷/۰۶/۱۲

۱۳۷۷/۰۳/۲۱

مسلح پاکستان فرمود: مهم‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی این است که «الآن برای ایران در تهران تصمیم گرفته می‌شود، نه در واشنگتن یا مسکو».

درک استقلال به مثابه «کامل‌ترین دستاورد انقلاب»، زمانی ملموس‌تر است که بدانیم این روند امروز هم نه تنها حفظ و تقویت شده، بلکه با مقاومت مردم ایران و با رهبری حکیمانه و عزت بخش، ما به دستاورد دیگری رسیدیم و آن، این است که تصمیم‌هایی که در ایران اسلامی گرفته می‌شود در دنیا تعیین‌کننده است و موج بیداری اسلامی و تأسی به انقلاب را پدید آورده است. در واقع به قول یکی از انقلابیون منطقه فرق مردم ایران با مردم برخی کشورهای منطقه که در سال‌های اخیر به پا خاستند، ولی تلاش آنها با دخالت بیگانگان از مسیر انقلابی و اسلامی منحرف شد، در این بود که مردم و رهبری انقلاب اسلامی ایران از بدو نهضت دو چیز را می‌دانستند؛ هم چه چیزی می‌خواهند و هم چه چیزی نمی‌خواهند،^۹ در حالی که رهبران انقلاب‌های منطقه با اینکه می‌دانستند چه چیزی می‌خواهند، اما نمی‌دانستند چه چیزی نمی‌خواهند، لذا تحت تأثیر اغواگری‌ها و طراحی‌های دشمنان مهم‌ترین عنصر برای پیروزی و انقلاب یک ملت، یعنی استقلال خود را واگذار کردند.^{۱۰}

بنابراین روشن است که زیربنایی ترین نقطه قوت نظام «استقلال» و بزرگترین تهدید آن «وابستگی» است.

زیربنایی تر از استقلال

گفتیم که اساسی ترین نقطه قوت یک کشور استقلال آن از نفوذ نظام سلطه است. حال پرسش این است که استقلال، خود، محصول چیست؟ مطابق آموزه های توحیدی، به ویژه آیه کریمه: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغِيرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغِيرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» به یقین، خداوند سرنوشت هیچ اجتماعی را تغییر نمی دهد مگر اینکه ایشان درون های خویش را تغییر دهند. بنابراین اراده انسان، محور تعلق یافتن اراده الهی و تغییر سرنوشت جوامع انسانی است. انسان هایی که می بینیم در برابر ظلم دو گونه اند: گروهی جازم و مصمم به مقابله با ظلم و گروهی ظلم پذیر. دسته اول معتقدند که «می توان» و «می توانند» سرنوشت خویش را تغییر دهند و گروه دوم معتقدند که «نمی شود» یا «نمی توانند». بنابراین دسته نخست انقلابی و فعال و اهل اصلاح و گروه دوم غیرانقلابی و منفعل هستند. دسته نخست «خودباور»ند و عزتمند و دسته دوم «خودباخته» و تحقیرشده. بنابراین خودباوری و باور به «ما می توانیم» ریشه بنیادین استقلال است و باید گفت که این باور بیش از همه در انسان های الهی و معتقدین به «توحید» وجود دارد که همه قدرت ها را متعلق به خداوند و افاضه شده از جانب او می دانند.

خودباوری مهم ترین و اساسی ترین نقطه قوت انقلاب است. انقلاب، وجدان های این مردم را تکان داد، بیدار و متوجه هویت خود کرد، توانایی های ملت را نشان داد و «خودباوری» را شعار اساسی قرار داد. نیروهای انقلابی وارد میدان شدند و «ما می توانیم» را اثبات کردند. رهبر معظم انقلاب معتقدند:

«یکی از سنگرهای دشمن برای تسلط بر کشور ما، عبارت بود از تزریق بی‌اعتقادی به خود، بی‌اعتمادی به خود، نداشتن اعتماد به نفس ملی؛ در مقابل چشمشان زرق و برق کشورهای غربی را مشاهده می کردند، پیشرفت های علمی و پیشرفت های فناوری و زرق و برق تمدنی مادی آنها را می دیدند و در [کشور] خودشان اینها نبود، در کشور این چیزها نبود، عقب ماندگی بود، لذا احساس بی‌اعتمادی به خود می کردند، احساس ناباوری به خود می کردند. آن روز در دوران پهلوی، یکی از ارکان دولت گفت که ایرانی باید برود لوله‌نگ بسازد! شماها نمی دانید لوله‌نگ چیست؛ لوله‌نگ آفتابه‌ی گلی [است]، آن هم نه آفتابه از جنس فلز. آن قدیم قدیم معمول بود که از جنس گِل آفتابه درست می کردند. می گفت ایرانی لیاقتش همین است که برود لوله‌نگ بسازد؛ ایرانی را چه به اختراعات! آن روز این جوری میگفتند. یک نفر دیگر از برجستگان آن دوران می گفت که ایرانی اگر بخواهد پیش برود، بایستی از فرق سر تا پا بشود غربی و اروپایی؛ باید همه چیز خودش را شبیه آنها بکند، شاید بتواند جلو برود؛ یعنی به خودشان باور نداشتند. خب، انقلاب آمد این ناباوری را بکلی تبدیل کرد به باور به خود، اعتماد به نفس ملی؛ امروز جوان ایرانی می گوید "ما می توانیم." در بسیاری از موارد

از این اصل با عنوان «برائت» یاد می شود^۹

فتح الله پریشان، «استقلال به مثابه کامل ترین دستاورد انقلاب»^{۱۰}

در پیشرفت های علمی - غیر از آنچه حالا امروز بحمدالله در دسترس قرار گرفته است و پیشرفت هایی که تحقق پیدا کرده است - جوان های ما گاهی اوقات یک فکرهای نویی را مطرح می کنند که دستگاه های مسئول توانایی ندارند اینها را جمع و جور کنند؛ جوان ایرانی اعتماد به نفس دارد. وقتی باور به خود نبود، پیشرفت هم نیست؛ وقتی باور به خود بود، شعار "ما می توانیم" بود، توانایی هم می آید؛ کشور می شود توانا، ملت می شود توانا. امروز ما این را داریم مشاهده می کنیم.^{۱۱}

راه شکست انقلاب و بازگرداندن سلطه نظام سلطه نیز نفی خودباوری و القاء حقارت به ملت در قالب باور «ما نمی توانیم» و تئوریزه کردن «وابستگی» به غرب است.

«یکی از ابزارهای مؤثر دشمنان برای تسلط بر ملت ها، همین تلقین «نمی توانید» است؛ که ملت ها مأیوس شوند، بگویند ما که نمی توانیم کاری بکنیم. با این ترفند، صد سال ملت ایران در میدانهای سیاست، علم، اقتصاد و همه میدان های زندگی عقب افتاد. امام مطلب را برگرداند، این ابزار تسلط ابرقدرتها را از دست آنها گرفت، به ملت ایران گفت «شما می توانید»؛ شجاعت را به ما برگرداند، تصمیم و قاطعیت را به ما برگرداند، اعتماد به نفس را به ما برگرداند، ما ملت ایران احساس کردیم می توانیم؛ حرکت کردیم، اقدام کردیم؛ لذا ملت ایران در همه میدان ها ... پیروز شده است.^{۱۲} هر پیشرفت علمی، یک حرکت بزرگ و یک بشارت بزرگ به این ملت است که می تواند.^{۱۳} امروز کشور ما با وجود تحریم در رشته های متعددی از دانشهای پیشرفته، جزو ده کشور اول دنیا است. حالا آنچه جلوی چشم مردم است، ابزارهای نظامی و همین وسایل جنگی ای است که شما ملاحظه می کنید در اختیار سپاه و ارتش و دیگران هست. پیشرفت هایی که اینها در زمینه های گوناگون کرده اند، در زمینه نانو و در همین زمینه هسته ای، به خاطر باور به خود است. یکی از سنگرهای دشمن در ایران، ناباوری ملت به خود بود، و یکی از سنگرهای بزرگ پیروزی ملت و جوانان ملت، باور به خود و روحیه «ما می توانیم» است.^{۱۴}

بنابراین نگارنده حکیم بیانیه گام دوم خودباوری و محصول ان یعنی مدیریت انقلابی را عامل همه پیشرفت ها در گام نخست می داند:

«مدیریت های جهادی الهام گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما می توانیم» که امام بزرگوار به همه ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه عرصه ها رسانید. انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار به شدت تحقیر شده و به شدت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم سالاری تبدیل کرد و عنصر «اراده ملی» را که جانمایه پیشرفت همه جانبه و حقیقی است در قانون مدیریت کشور وارد کرد؛ آنگاه جوانان را میدان دار اصلی حوادث و وارد عرصه مدیریت کرد؛ روحیه و باور «ما می توانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد.^{۱۵}»

و در ادامه بیانیه می افزاید که علت عدم تحقق کامل آرمانها عدم توجه به عنصر خودباوری و باور انقلابی در برخی مدیران دولت ها بوده است:

«محصول تلاش چهل ساله، اکنون برابر چشم ما است: کشور و ملتی مستقل، آزاد، مقتدر، باعزت، متدین، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه هایی گران بها، مطمئن و امیدوار، دارای تأثیر اساسی در منطقه و دارای منطق قوی در مسائل جهانی، رکورددار در شتاب پیشرفتهای علمی، رکورددار در رسیدن به رتبه های بالا در دانش ها و فناوری های مهم از قبیل هسته ای و سلول های بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی، سرآمد در

^{۱۱} ۱۳۹۵/۰۱/۰۱

^{۱۲} ۱۳۹۲/۰۳/۱۴

^{۱۳} ۱۳۹۰/۰۳/۱۲

^{۱۴} ۱۳۹۵/۰۱/۰۱

^{۱۵} بیانیه گام دوم

انگیزه‌های جهادی میان جوانان، سرآمد در جمعیت جوان کارآمد، و بسی و ویژگی‌های افتخارآمیز دیگر که همگی محصول انقلاب و نتیجه‌ی جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی است. و بدانید که اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل‌ساله نمی بود - که متأسفانه بود و خسارت‌بار هم بود - بی‌شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمان‌های بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی داشت.^{۱۶}

یکی از دلایل تخاصم آمریکا علیه ایران هویت استقلال‌طلبانه آن است. کشوری که مسئولان آن سالیان سال تحت نظر آمریکا اعمال سیاست می‌کردند، اکنون علم استقلال برافراشته است و این برای ایالات متحده غیر قابل پذیرش است. نوآم چامسکی نظریه‌پرداز مشهور آمریکایی می‌گوید: «جمهوری اسلامی ایران از نظر آمریکا غیر قابل پذیرش است، چون از استقلال خود چشم‌پوشی نمی‌کند». ایالات متحده سعی داشته روحیه مقاومت ایران را با ایران‌هراسی به عنوان یک تهدید معرفی و دشمنی خود با جمهوری اسلامی را توجیه کند. ایران در سالیان گذشته همواره جایگاه ویژه‌ای در اسناد امنیت ملی ایالات متحده داشته است. در سند استراتژی امنیت ملی آمریکا^{۱۷} در سال ۲۰۱۸ آمده است: ج.ا.ایران توازن قدرت را در منطقه تغییر داده و این به معنی تهدید منافع آمریکا در منطقه است. تهدید دیگر از سوی ایران برای منافع آمریکا، گسترش نفوذ ایران در منطقه است که طبق توصیه این سند باید کنترل شود. پیش از این نیز انستیتو رند^{۱۸} آمریکا، طی یک مطالعه آینده‌پژوهی، ج.ا.ایران را در افق زمانی ۲۰۳۵ تا ۲۰۵۰ یک «قدرت کلیدی» (Key Power) معرفی کرده بود که به نظر می‌رسد این مهم در پرتو شاخصه استقلال و مقاومت، قبل از افق زمانی مذکور محقق شده است.

^{۱۶} همان^{۱۷} National Security Strategy^{۱۸} Rand